۱۷۵-۱۹۴

طراحی مدل توسعه ورزش مدارس: رویکردی آمیخته*

سلیمان انصاری[۱] دکتر شهرام نظری[۲] دکتر احمد محمودی[۳]

چکیده: هدف از پژوهش حاضر طراحی مدل توسعه ورزش مدارس بود که با طرح تحقیق آمیخته اکتشافی انجام شد. گردآوری اطلاعات در دو بخش کیفی(تحلیل مضمون) و بخش کمی (مدل‌سازی معادله ساختاری) انجام شد. از همین‌رو ابتدا از طریق مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۱۷ متخصص و صاحب‌نظر داده‌های کیفی گردآوری شدند. پس از جمع‌آوری و تحلیل همزمان داده‌ها با استفاده از رویکرد براون و کلارک (۲۰۰۶) سه مضمون اصلی شناسایی شدند که عبارت‌اند از: عوامل مؤثر بر توسعه ورزش مدارس، راهکارهای توسعه ورزش مدارس و پیامدهای توسعه مدارس. بر اساس یافته‌های بخش کیفی، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته تنظیم شد که پس از تعیین روایی و پایایی مقدماتی، در اختیار نمونه‌های بخش کمی قرار گرفت. ۳۸۷ کارشناس و معلم تربیت‌بدنی شهر تهران پرسشنامه را تکمیل کردند. به‌منظور تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادله ساختاری (SEM) استفاده شد. نتایج مدل‌سازی معادله ساختاری، مدل طراحی‌شده را تأیید کرد به‌گونه‌ای که همهٔ گزاره‌ها و مؤلفه‌های موجود در مدل طراحی‌شده، از برازشی مطلوب برخوردار بودند. در یک نتیجه‌گیری می‌توان بیان داشت که برای توسعه ورزش در مدارس باید عوامل مؤثر بر آن را به‌صورت همه‌جانبه و دستگاهی در نظر گرفت و به‌تناسب پیامدهای موردنیاز، راهکارهای توسعه ورزش در مدارس را مورد استفاده قرار داد.

کلید واژگان: توسعه ورزش، تعلیم و تربیت ورزشی، ورزش مدارس

☑ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۶ ☑ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۰

* *این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسندهٔ اول است.*

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی، دانشگاه غیر انتفاعی غیر دولتی ایوان‌کی، سمنان، ایران.
Email: samanansari13981390@gmail.com

۲. **نویسنده مسئول:** استادیار گروه آموزش تربیت بدنی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. **Email:** Shahram.nazari@cfu.ac.ir

۳. استادیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. **Email:** Ah.mahmoudi@ut.ac.ir

مقدمه

در برنامه درسی ملی از تربیت‌بدنی به‌عنوان یکی از حوزه‌های تربیت و یادگیری یاد شده است. در این برنامه، بر ارتقای تواناییهـای جسمانی و حرکتی، تبیین روشهای تفریحی سالم و ... و نیز بر تسلط بر رفتارهای مطلوب خـود و حفظ سلامت تأکید شده است (برنامـه درسـی ملی، ۱۳۹۱؛ سنـد تحـول بنیادین آموزش‌وپرورش، ۱۳۹۰). ورزش مدارس[۱] (تربیت‌بدنی) بخشی اساسی از برنامه این حوزه به‌شمار می‌رود. ورزش مدارس یکی از صور ورزش در سطح شخص یا مخاطب در چارچوب ورزش مدرسه است که در قالب برنامه‌های درس تربیت‌بدنی و فعالیتهـای ورزشی اوقـات فراغت به اهداف خود تحقق می‌بخشد (هاگ[۲]، ۲۰۰۸؛ ترجمه حلاجی، ۱۳۹۷). ورزش مدارس (تربیت‌بدنی)[۳] برنامه‌ای کارآمد برای افزایش فعالیت جسمانی دانش‌آموزان و کسب مهارتهای ورزشی از طریق برنامه‌ها، فعالیتها و رویدادهای ورزشی در محیطی حمایتی با زیرساختها و امکانات امن و راحت است. هدف از ورزش در مدارس، ترویج فعالیتهای بدنی و ورزشی در میان دانش‌آموزان است که سبب بهبود سلامتی و رشد فیزیکی آنها می‌شود (لانگباین و بس[۴]، ۲۰۰۲). علاوه‌بر این، ورزش در مـدارس می‌توانـد مهارتهـای اجتماعی و همکاری را تقویت کند و بهبود عملکرد تحصیلی و تمرکز دانش‌آموزان را به همراه داشته باشد. همچنین، ورزش در مدارس می‌تواند کمک کند تا دانش‌آموزان برای زندگی بهتر و سالم‌تر در آینده آماده شوند و سبب بهبود اعتماد به‌نفس و افزایش روابـط اجتماعی آنها شود (بیلی[۵]، ۲۰۰۶). مطالعات نشان می‌دهد کـه ورزش مدارس یکی از مؤثرترین ابزارها برای ایجاد تغییرات مثبت و یافتن راه‌حل مناسب برای مشکلات متعدد اجتماعی، روان‌شنـاختی و آمـوزشی دانش‌آموزان است (پات[۶] و همکاران، ۲۰۱۴). در این راستا شری[۷] و همکاران (۲۰۱۵) اظهار داشته‌اند که هدف برنامه توسعه ورزش دانش‌آموزی افزایش مشارکت در ورزش، شناسایی و توسعه استعدادهای ورزشی، ترویج فرهنگ سبک زندگی سالم و فعال و تقویت انسجام اجتماعی در میان دانش‌آموزان و در پی آن در جامعه است. علاوه بر این، بروئر[۸] (۲۰۱۰) بیان می‌کند که هدف از مشارکت در ورزش مدارس آشنایی دانش‌آموزان با فرهنگ حرکت و یافتن مسیری برای ورود به سطوح مختلف ورزش است. به اعتقاد برخی از پژوهشگران، ورزش مدارس اساس توسعهٔ ورزش در سـایر سطوح است و تا زمـانی‌که ورزش مـدارس توسعه نیابـد، در سایر سطوح توسعه‌یافتگی دشوار و مقطعی خواهد بود.

---

۱. اصطلاح «ورزش مدرسه/مدارس» براساس اساسنـامه فدارسیون بین‌المللی ورزش مـدارس (ISF) اصطلاحی پذیرفته‌شده در سطح بین‌المللی است. این اصطلاح در کتاب «آینده ورزش مدارس(تربیت بدنی) در دنیای امروز» نوشته پروفسور هربرت هاگ به‌کار گرفته شده است. بنابراین کاربرد اصطلاح «ورزش دانش‌آموزی» از سوی پژوهشگران وجاهتی ندارد.

2. Haag
3. School sport (physical education)
4. Langbein & Bess
5. Bailey
6. Pot
7. Sherry
8. Breuer

با توجه به شواهد می‌توان دریافت که بخش اساسی فعالیتها و رقابتهای ورزشی جهان در مدارس شکل می‌گیرد. درواقع موفقیتهای اکثر قهرمانان بین‌المللی بسیاری از کشورها از مدارس آغاز می‌شود، درحالی‌که معدود پژوهشهای انجام‌شده نشان می‌دهند که ورزش مدارس در ایران مورد توجه جدی سیاستگذاران و برنامه‌ریزان آموزشی قرار نمی‌گیرد و صرفاً در اسناد بالادستی به آنها اشاره می‌شود ولی حمایتها و تدارکات لازم برای توسعه آن ارائه نمی‌شود (اسمعیلی ۱۳۸۹؛ میرزایی‌کالار و همکاران، ۱۳۹۹؛ بردبار، ۱۳۹۴). باید خاطرنشان کرد که به اعتقاد برخی از پژوهشگران، ورزش مدارس اساس توسعه ورزش در سایر سطوح است و تا زمانی که ورزش مدارس توسعه نیابد سایر سطوح توسعه‌یافتگی سخت، دشوار و مقطعی خواهد بود (بلویس و اسمیت[1]، ۲۰۱۰). اهداف مندرج در اسناد بالادستی و راهکارهای ارائه‌شده در سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش، هدف توسعه ورزش مدارس در ایران را افزایش علاقه، آگاهی و مشارکت دانش‌آموزان در ساعت تربیت‌بدنی، مسابقات و رویدادهای ورزشی دانش‌آموزی، افزایش حمایت ذی‌نفعان و به‌خصوص والدین و جامعه از ورزش مدرسه، ارتقای امکانات و تجهیزات ورزشی مدارس، توانایی جذب منابع مالی و توسعه مسیرهای مشارکت و استعدادیابی در ورزش مدارس و درنهایت ارتقای سواد حرکتی و ترویج سبک زندگی سالم و فعال در دانش‌آموزان می‌دانند (میرزایی‌کالار و همکاران، ۱۳۹۹). حال اینکه نتایج تحقیقات و بررسیها نشان می‌دهد که این هدفها به‌خوبی محقق نشده‌اند و در حقیقت، توسعه در ورزش مدارس رخ نداده است (قنبری فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۹؛ میرزایی‌کالار، ۱۳۹۷؛ میرزایی‌کالار و همکاران، ۱۳۹۹؛ بردبار، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد که توسعه ورزش مدارس در ایران با چالشها و موانعی روبه‌روست که شناخت کافی از آنها وجود ندارد. در معدود مطالعات انجام‌شده به‌صورت غیرمستقیم و جزئی به چالشها و موانع پیش روی ورزش مدارس اشاراتی شده است که اهم آنها کمبود امکانات ورزشی، در اولویت قرار نداشتن ورزش در مدارس و سوءمدیریت در ساختارهای کلان ورزش تربیتی است (میرزایی‌کالار، ۱۳۹۷؛ مطلبی‌جزی، ۱۳۹۷). با توجه به مطالب اشاره‌شده، ضرورت دارد که به‌منظور بهبود و توسعه ورزش مدارس در ایران، مدلی طراحی شود که در آن عوامل مؤثر، راهکارها و پیامدهای توسعه ورزش مدارس تبیین و تشریح شوند. در این راستا ضرورت می‌یابد که به بررسی نتایج مطالعات پیشین این حوزه پرداخته شود.

پژوهشگران پیشین هر یک به بخشی از حوزه ورزش مدارس و تربیت‌بدنی پرداخته‌اند و به‌طور جامع عوامل مؤثر، راهکارها و پیامدهای این پدیده مورد بررسی قرار نگرفته است. مثلاً، قنبری فیروزآبادی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی یک الگوی راهبردی تدوین کرده‌اند که در آن نیروی انسانی، منابع مالی، فضا و تجهیزات، اجرای درس و فوق‌برنامه تربیت‌بدنی به‌منزلهٔ عوامل علّی، عوامل مدیریتی، فرهنگی-اجتماعی، رسانه و فناوری، علمی-ورزشی به‌منزلهٔ شرایط زمینه‌ای و عوامل مالی، سیاسی، اقتصادی و اداری به‌منزلهٔ شرایط مداخله‌گر و در حوزه‌های مختلف (توسعه ساختاری، اقدامات مدیریتی،

1. Bloyce & Smith

توسعه نیروی انسانی، توسعه درآمدی، توسعه فضا و تجهیزات، توسعه فرهنگی و توسعه برنامه‌های فوق‌برنامه) راهبردهای توسعهٔ ورزش مدارس را مورد شناسایی قرار داده‌اند. نتایج پژوهش مطلبی‌جزی (۱۳۹۷) با عنوان «ارتباط ساختار سازمانی تربیت‌بدنی وزارت آموزش و پرورش با توسعه ورزش دانش‌آموزی» حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین تمرکز و عدم تمرکز تربیت‌بدنی، رسمیت و پیچیدگی با توسعه ورزشی بود. درواقع، هرقدر عدم تمرکز بیشتر باشد، توسعه ورزش مدارس نیز بهبود خواهد یافت. میرزایی‌کالار و همکاران (۱۳۹۹) مطالعه‌ای تحت عنوان «طراحی مدل توسعه ورزش مدارس ایران» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان داده است که عوامل استراتژیها، فرایندها و مسیرها دارای اثر مستقیم و معنادار بر پیامدهای توسعه هستند و عامل ذی‌نفعان نیز از طریق استراتژیها بر پیامدهای توسعه اثر دارد. بر اساس مدل حاصل از پژوهش قنبری و همکاران (۱۳۹۸) می‌توان گفت که به‌ترتیب معلم تربیت‌بدنی، عوامل فردی، خانواده، محیط‌زیست، جامعه و مدرسه بیشترین تأثیر را بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش در مدارس داشتند و متغیر جامعه علاوه بر تأثیر مستقیم بر گرایش دانش‌آموزان به ورزش بر متغیرهای عوامل فردی، مدرسه، خانواده و معلم تربیت‌بدنی اثر معنی‌دار داشته است. مک‌اینتاش و لیدل[1] (۲۰۱۴) و مک‌اینتاش[2] و همکاران (۲۰۱۶) اشاره کرده‌اند که کشورهای فردگرای اروپایی به طرز قابل‌توجهی دارای سیستمهای توسعه ورزش متفاوت در مدارس، دولت محلی و جامعه‌اند و پیشنهاد کرده‌اند که برنامه توسعه ورزش دانش‌آموزی باید مبتنی بر مشارکت جمعی و از طریق ارتباطات مدرسه و باشگاههای ورزشی و جامعه و با تأکید بر مشارکت هرچه بیشتر دانش‌آموزان در ورزش مدرسه باشد. کوموا[3] و همکاران (۲۰۱۵) الزامات توسعه ورزش مدارس در روسیه را امکانات، تجهیزات و زیرساختهای ورزشی مناسب، معلمان و مربیان ورزش متخصص، مشارکت و مسئولیت‌پذیری بیشتر والدین و جامعه و افزایش ساعت درس تربیت‌بدنی در مدارس بیان کرده‌اند. آلوکو و آدودو[4] (۲۰۱۱) با تحلیل مفهومی توسعه ورزش مدارس در نیجریه بیان کرده‌اند که به دلیل عدم وجود یک سیاست و برنامه کلان از سوی وزارت آموزش و پرورش، ورزش مدارس در نیجریه توسعه نیافته است. وی[5] و همکاران، (۲۰۱۰) عوامل منابع انسانی باکیفیت، ارتباط و همکاری مدارس با سازمانهای ورزشی منطقه‌ای، استانی و ملی، امکانات، تجهیزات و زیرساختهای ورزشی با استانداردهای جهانی را برای توسعه ورزش مدارس کانادا پیشنهاد کرده‌اند. داویس[6] و همکاران (۲۰۱۸) اشاره کرده‌اند که بهتر است دولتها سیاستهای ورزشی را با مشارکت سازمانهای ورزشی، متخصصان و مدارس اتخاذ کنند، زیرا از این طریق مشارکت ذی‌نفعان در سیاستها و برنامه‌های توسعه ورزش افزایش می‌یابد و احتمال موفقیت

1. Mackintosh & Liddle
2. MacIntosh
3. Komova
4. Aluko & Adodo
5. Way
6. Davies

آنها نیز بیشتر می‌شود. ورزش تربیتی و آموزشی، جایگاهی ویژه در نظام تعلیم و تربیت رسمی دارد و موردتوجه سیاستهای کلان کشور است. مرور پیشینه‌ها نشان می‌دهد که توسعه ورزش مدارس در همه جوامع، اعم از توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته، از جایگاهی بالا برخوردار است، زیرا توسعه تربیت‌بدنی و ورزش مدارس زمینه‌ساز تأمین و تربیت نیروی انسانی سالم و تندرست در جامعه است. این همان هدفی است که در برنامه‌های توسعه ملی مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰) و برنامه درسی ملی (۱۳۹۱) به‌صراحت بر آن تأکید شده است. باید خاطرنشان کرد که با وجود ارتقای شاخصهای کمی ورزش دانش‌آموزی در طول برنامه‌های توسعه کشور و توجه ویژه به ورزش دانش‌آموزی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و همچنین ارتقای ساختاری تربیت‌بدنی در وزارت آموزش و پرورش و اجرای برنامه‌ها، فعالیتها و طرحهای متنوع در معاونت تربیت‌بدنی و سلامت، بررسیها نشان می‌دهند که به دلیل ناکارایی برنامه‌های فعلی، جزیره‌ای عمل کردن و نداشتن یک مدل و نقشه نظام‌مند کلی‌نگر، ورزش مدارس با کاستیهای فراوانی روبه‌روست و توسعه نیافته است (دادگر، ۱۳۹۹). از همین رو باید در جهت توسعه آن مدلهای منسجم و نظام‌مند ارائه شود. دغدغه اصلی این پژوهش همه‌جانبه‌نگری در مسئله ورزش مدارس است، به‌گونه‌ای که با دیدی سیستمی و کل‌نگرانه همه عناصر مؤثر بر توسعه ورزش مدارس شناسایی شوند و ارتباطات میان آنها تشریح شود. این امر نیازمند بررسی جامع اسناد بالادستی و مراجعه به متخصصان خبره در حوزه ورزش مدارس است. علاوه بر این، بررسی مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که هر یک از آنها با رویکرد و روشی خاص به پدیده ورزش مدارس نگریسته‌اند و به اقتضای شرایط روشهای کمی یا کیفی را برگزیده‌اند. از ابتکارات این مطالعه به‌کارگیری هم‌زمان رویکرد کیفی و کمی برای طراحی مدل توسعه ورزش مدارس است که می‌تواند نواقص مطالعات پیشین را پوشش دهد و از مزایای هر دو روش بهره بگیرد. درنهایت، هدف اصلی این پژوهش این است که با در نظر گرفتن اسناد بالادستی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و هدفهای در نظر گرفته شده برای ورزش مدارس مانند افزایش علاقه، آگاهی و مشارکت دانش‌آموزان در ساعت تربیت‌بدنی، مسابقات و رویدادهای ورزشی مدارس، افزایش حمایت ذی‌نفعان و به‌ویژه والدین و جامعه از ورزش مدرسه، ارتقای امکانات و تجهیزات ورزشی مدارس، توانایی جذب منابع مالی و توسعه مسیرهای مشارکت و استعدادیابی در ورزش مدارس و درنهایت ارتقای سواد بدنی[1] و ترویج سبک زندگی سالم و فعال در دانش‌آموزان، مدلی مطلوب برای توسعه ورزش مدارس در ایران طراحی شود.

روش‌شناسی

روش انجام پژوهش حاضر، آمیخته (کیفی و کمّی) بود که از رویکرد آمیخته اکتشافی استفاده شده است. بخش کیفی پژوهش، ازلحاظ هدف، توصیفی و ازلحاظ نتیجه، توسعه‌ای بود. برای انجام تحقیق

1. Physical literacy

می‌توان از استراتژیهای متعددی استفاده کرد که در تحقیق حاضر از استراتژی روش تحلیل مضمونی[1] استفاده شده است. بخش کمی تحقیق، توصیفی و از نوع پیمایشی بود که می‌توان آن را ازلحاظ نتیجه تحقیق در گروه کاربردی قرار داد. جامعه آماری بخش کیفی را همه صاحب‌نظران حوزۀ ورزش مدارس، در دو گروه علمی و اجرایی تشکیل داده‌اند. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شده که طی آن با ۱۷ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شده است. این افراد شامل اعضای هیئت‌علمی رشته مدیریت ورزشی و مدیران و کارشناسان ورزشی صاحب‌نظر بودند. برای تعیین متخصصان و صاحب‌نظران معیارهایی در نظر گرفته شد که اصلی‌ترین آنها داشتن حداقل ۲۰ سال سابقه فعالیت در حوزه تربیت‌بدنی در مدارس برای معلمان، داشتن پژوهش و مطالعه در حوزه ورزش تربیتی و مدارس برای استادان و داشتن ۱۰ سال سابقه اجرایی برای مدیران و کارشناسان حوزه ورزش مدارس بود.

جامعه آماری بخش کمی پژوهش شامل کارشناس مسئول مناطق شهر تهران، کارشناس تربیت‌بدنی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، کارشناسان و رئیس فدراسیون ورزش مدارس، کارشناسان معاونت تربیت‌بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش و معلمان تربیت‌بدنی صاحب‌نظر در سال‌تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷، بودند که با توجه به فرمول حجم جامعه نامحدود کوکران، تعداد ۳۸۷ نفر وارد مطالعه شدند. شایان ذکر است که برای دستیابی به معلمان تربیت‌بدنی شهر تهران، از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شد و سایر نمونه‌های پژوهش به شیوه نمونه‌گیری کل‌شمار وارد مطالعه شدند. در بخش اول پژوهش (کیفی)، پژوهشگر به‌صورت کلی (نه جامعه و کامل) به بررسی مبانی نظری و پیشینه‌های مرتبط با موضوع پژوهش (ورزش دانش‌آموزی) پرداخت تا از این طریق حساسیت نظری خود را بهبود بخشد. این امر به مفهوم‌پردازی بخش کیفی کمک فراوانی می‌کند. علاوه بر این، این مرور کلی برای تهیه راهنمای مصاحبه استفاده شد. به‌منظور گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. در راهنمای مصاحبه حاضر سؤالاتی ویژه پیرامون عوامل مؤثر بر مشارکت دانش‌آموزان در فعالیتهای ورزشی مدارس، پیامدهای ورزش مدارس برای دانش‌آموزان و راهکارهای توسعه ورزش مدارس ارائه شد که در تکمیل این سؤالات، چند پرسش فرعی نیز وجود داشت. اینها همان سوالاتی بودند که با مطالعه پیشینه تحقیق و با توجه به اهداف پژوهش تدوین شده بودند. به‌عنوان‌مثال، برخی از سؤالات شامل مواردی این‌چنینی می‌شدند: چرا برگزاری رویدادهای ورزشی می‌تواند منجر به توسعه ورزش مدارس شود؟ نقش آموزش در توسعه ورزش مدارس چیست؟ کدام حوزه‌ها نیازمند آموزش هستند؟ حامیان مالی و خیرین چگونه می‌توانند به توسعه ورزش مدارس کمک کنند؟ رسانه‌ها به‌ویژه رسانه‌های جدید چه نقشی در توسعه ورزش مدارس دارند؟

پروتکل مصاحبه بدین‌صورت بود که سؤالات در میان اعضای نمونه با توالی متفاوتی ارائه می‌شدند و با توجه به شرایط مصاحبه، سؤالات دیگری نیز اضافه می‌شدند. مصاحبه با هر شرکت‌کننده در محیطی

1. Thematic analysis

آرام و در حدود ۲۰ الی ۳۰ دقیقه به طول انجامید. در این پژوهش، پژوهشگر به‌منظور ثبت اطلاعات حاصل از مصاحبه‌ها، علاوه بر یادداشت رئوس مطالب، با کسب اجازه از فرد مصاحبه‌شونده به ضبط مصاحبه اقدام کرد. با شرکت‌کنندگان بالقوه برای انجام دادن مصاحبه تماس گرفته شد و کسانی که مایل به شرکت در مصاحبه بودند، در زمان و مکان مورد انتخاب این افراد مصاحبه‌صورت پذیرفت. در این راستا، ابتدا راهنمای مصاحبه برای افراد ارسال شد که در برگیرنده عنوان، اهداف و سؤالهای کلی مصاحبه بود تا مصاحبه‌شوندگان با موضوع بحث آشنا شوند. از مصاحبه‌های اخذ شده، رونوشت برداشته شد و پژوهشگر با بهره‌گیری از تحلیل مضمون کدگذاریها را انجام داد. در واقع، به‌منظور تحلیل داده‌های کیفی از روش تحلیل مضامین براون و کلارک[1] (۲۰۰۶) استفاده شد. این روش برای شناسایی و تحلیل و گزارش دادن الگوها (تمهای موجود در داده‌ها) به کار می‌رود. مضامین یا الگوهای داده‌ها را می‌توان به روش استقرایی شناخت. در روش استقرایی، مضامین شناخته شده، به شدت با خود داده‌ها مرتبط‌اند. این روش تحلیل مضمون تا حدودی شبیه نظریه داده بنیاد است. در این روش، فرایند کدگذاری داده‌ها بدون تلاش برای انطباق آن با چارچوب کدگذاری از قبل تهیه شده (یا قالب مضامین) صورت می‌گیرد. در روش استقرایی، تحلیل مضمون براساس داده‌ها انجام می‌شود. در این پژوهش از رویکرد استقرایی و فرایند تحلیل شش‌مرحله‌ای بهره گرفته شده که براون و کلارک (۲۰۰۶) ارائه کرده‌اند. این مراحل ششگانه عبارت‌اند از: آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جست‌وجوی تمها، بازبینی تمها، تعریف و نام‌گذاری تمها، تهیه گزارش. مرحله ششم زمانی شروع می‌شود که پژوهشگر مجموعه‌ای از تمهای کاملاً آب‌دیده را در اختیار داشته باشد. این مرحله شامل تحلیل پایانی و نگارش گزارش است. گزارش پایانی باید یک داستان مختصر، منطقی، منسجم و غیرتکراری را درباره تم‌ها و داده‌های مرتبط با هر تم، ارائه کند.

در پژوهش حاضر برای بررسی وثوق‌پذیری یافته و محاسبه اتکاپذیری کدگذاری انجام‌شده از بازکدگذاری استفاده شد. برای محاسبه پایایی بازآزمون از میان مصاحبه‌های انجام گرفته چند مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب و هرکدام از آنها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص دو بار کدگذاری می‌شوند. سپس کدهای مشخص‌شده در دو فاصله زمانی برای هرکدام از مصاحبه‌ها باهم مقایسه می‌شوند. روش بازآزمایی برای ارزیابی ثبات کدگذاری پژوهشگر به‌کار می‌رود ولی با این اشکال روبه‌روست که نتایج حاصله از آزمون مجدد می‌تواند تحت تأثیر تمرین (تجربه) و حافظه کدگذار قرار گیرد و بنابراین منجر به تغییر در قابلیت اعتماد کدگذاری شود. در هرکدام از مصاحبه‌ها، کدهایی که در دو فاصله زمانی با هم مشابه‌اند با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌شوند. بر اساس فرمول استملر، روش محاسبه مقدار ضریب توافق بین کدگذاریهایی که پژوهشگر انجام داده عبارت است از:

$$\text{درصد پایایی} = \frac{\text{۲} \times \text{تعداد توافقات}}{\text{تعداد کل کدها}} \times \text{۱۰۰}$$

1. Braun & Clarke

از میان مصاحبه‌های انجام گرفته، به‌صورت تصادفی، سه مصاحبه انتخاب شد و پژوهشگر هرکدام از آنها را دو بـار در یـک فاصله زمانی ۳۰ روز (یک ماه) کـدگذاری کـرده است. در ایـن راستـا استملر[1] (۲۰۰۱)، در پژوهش خود میزان پایایی بیشتر از ۶۰ صدم را مورد تأیید و قابل‌قبول بیان کرده است (استملر، ۲۰۰۱). نتایج حاصل از کدگذاریها در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. محاسبه پایایی مصاحبه‌ها به روش بازآزمون

ردیف	عنوان مصاحبه	تعداد کل کدها	تعداد توافقات	تعداد عدم توافقات	پایایی بازآزمون (درصد)
۱	$P_{۴}$	۱۷	۸	۱	٪۹۴
۲	$P_{۹}$	۲۰	۸	۴	٪۸۰
۳	$P_{۱۶}$	۱۵	۷	۱	٪۹۳
	کل	**۵۲**	**۲۳**	**۶**	**٪۸۸**

همان‌طورکه در جدول شماره۲، مشاهده می‌شود تعداد کل کدها در دو فاصله زمانی ۳۰ روز برابر ۵۲، تعداد کل توافقات بین کدها در این دو زمان برابر ۲۳، و تعداد کد عدم توافقات در این دو زمان برابر ۶ بود. پایایی بازآزمون مصاحبه‌های انجام گرفته در این پژوهش با استفاده از فرمول ذکرشده، برابر۸۸ صدم است. با توجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ صدم است (استملر، ۲۰۰۱)، قابلیت اعتماد کدگذاریها مورد تأیید و قابل‌قبول است.

ابزار بخش کمی پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته بود که حاوی چهار بخش اصلی بود. این پرسشنامه با توجه به یافته‌های بخش کیفی و کدهای ظاهرشده، تدوین شد. در بخش اول، فرم ویژگیهای جمعیت‌شناختی قرار داشت. در این فرم مجموعه‌ای از ویژگیهای جمعیت‌شناختی (آخرین مدرک تحصیلی، سابقه خدمت و حوزه فعالیت در این پژوهش) مورد پرسش قرار گرفت. در بخش دوم، عوامل مؤثر بر مشارکت دانش‌آموزان در ورزش مدارس با طرح ۲۶ سؤال موردسنجش قرار گرفت. در بخش سوم، پیامدهای توسعه ورزش مدارس با طرح ۱۹ سؤال مورد سنجش قرار گرفت و در نهایت بخش چهارم حاوی ۴۷ سؤال بود که پیرامون راهکارهای توسعه ورزش مدارس است. پرسشنامه پس از تعیین روایی محتوایی و پایایی در میان نمونه‌ها توزیع شدند. برای تعیین روایی محتوایی از ۱۲ متخصص خواسته شد که سؤالات را بر اساس هدفهای پژوهش بررسی کنند و نقطه‌نظرات اصلاحی خود را بیان کنند. پس از اعمال نقطه‌نظرات روایی محتوایی به‌دست آمد. برای محاسبه پایایی نیز ۳۰ پرسشنامه در میان جامعه آماری تعریف‌شده در بخش کمی،

1. Stemler

توزیع شد و پس از توزیع، میزان آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده در حد مطلوب بود(جدول ۲). پرسشنامه‌های موردنظر به‌صورت حضوری و ارتباط مستقیم با اعضای نمونه و همچنین به‌صورت پرسشنامه برخط (آنلاین) توزیع و گردآوری شده است. پیش از تکمیل داده‌ها، به افراد نمونه دربارۀ محرمانه بودن اطلاعات، اطمینان داده شد و این توضیح داده شد که از نتـایج آن صرفاً در این پـژوهش استفـاده خواهد شد. لذا کلیه افراد به صورت داوطلبانه و با آگاهی کامل، به پرسشنامه موردنظر پاسخ دادند. گفتنی است که پیش از پاسخ به آن، توضیحات لازم درباره اهداف پژوهش و ضرورت پاسخ‌دهی صحیح به سؤالات، داده شد. به‌منظور محاسبه پایایی درونی سؤالات پرسشنامه‌ها از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب پایایی درونی پرسشنامه‌های پژوهش (آلفای کرونباخ)

پرسشنامه	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ
عوامل مؤثر بر مشارکت دانش‌آموزان	۲۶	۰/۷۳۰
پیامدهای درس تربیت‌بدنی بر دانش‌آموزان	۱۹	۰/۷۵۰
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	۴۷	۰/۷۹۰

ضریب پایایی درونی (آلفای کرونباخ) در این پژوهش برای هر سه پرسشنامه بالای ۰/۷ بود که نشان از پایایی قابل‌قبول پرسشنامه‌های مورد استفاده دارد (جدول ۲). به‌منظور تجزیه‌وتحلیل ویژگیهای جمعیت‌شناختی از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی، درصد فراوانی و ...) و در سطح آمار استنباطی از آزمون ضریب آلفای کرونباخ برای بررسی میزان پایایی پرسشنامه تحقیق و همچنین از مدل‌سازی معادله ساختاری (SEM) برای تحلیل مدل بخش کمی استفاده شده است. عملیات آماری با نرم‌افزارهای SPSS/24 و AMOS/26 در سطح معناداری $\alpha = ۰/۰۵$ انجام شده است.

یافته‌ها

ویژگیهای جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی در جدول شماره ۳ ارائه داده شده است. به لحاظ سطح تحصیلات، ۱۸/۶۴ درصد (۳ نفر) دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۸۲/۳۶ درصد (۱۴ نفر) دارای مدرک دکتری بودند. همچنین به لحاظ سابقه کاری ۲۳/۵۰ درصد دارای سابقه ۱۵ و زیر ۱۵ سال بودند و ۳۵/۳۰ درصد ۱۶ تا ۲۰ سال سابقه داشتند و ۴۱/۲۰ درصد باقیمانده، سابقه‌ای بالای ۲۰ سال داشتند. ویژگیهای جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی در جدول شماره۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. گستره، تعداد و تنوع افراد مصاحبه‌شده به تفکیک جایگاه و موقعیت شغلی و جنسیت

جایگاه و موقعیت شغلی	تعداد افراد	جنسیت	
		مرد	زن
اعضای هیئت‌علمی رشته مدیریت ورزشی	۹	۸	۱
مدیران و کارشناسان ورزشی صاحب‌نظر	۸	۶	۲
مجموع	۱۷	۱۴	۳

توصیف ویژگیهای فردی در بخش کمّی بر اساس نتایج پژوهش انجام شد که به‌ترتیب ۴۶/۳ درصد (۱۷۹ نفر) دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۴۴/۲ درصد (۱۷۱ نفر) کارشناسی، ۸/۳ درصد (۳۲ نفر) مدرک دکتری و ۱/۳ درصد (۵ نفر) مدرک کاردانی داشتند. توزیع فراوانی سابقه خدمت نمونه‌های تحقیق نشان می‌دهد که از ۳۸۷ نفر نمونه تحقیق بیشترین تعداد دارای سابقه خدمت بیشتر از ۲۰ سال بودند (۱۱۳ نفر، ۲۹/۲ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به نمونه‌های با سابقه خدمت ۱ تا ۵ سال بود (۴۵ نفر، ۱۱/۶ درصد). همچنین درمجموع ۱۱۲ نفر (۲۸/۹ درصد) کمتر از ۱۰ سال، ۱۳۲ نفر (۳۴/۱ درصد) ۱۱ تا ۲۰ سال و ۱۱۳ نفر (۲۹/۲ درصد) بیشتر از ۲۰ سال سابقه خدمت داشتند. بر اساس یافته‌ها، مشاهده شد که ۸۷/۹ درصد (۳۴۰ نفر) از ۳۸۷ نفر نمونه تحقیق معلمان تربیت بدنی بودند.

همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، از تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی تعداد ۴۰ مقوله فرعی به‌دست آمد که در ۹ مقوله اصلی و سه مضمون دسته‌بندی شدند. درنهایت نیز مضمون عوامل مؤثر بر مشارکت در ورزش مدارس، حاوی دو مضمون فرعی تحت عنوان عوامل زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر بود. مقوله‌های فرعی عوامل زمینه‌ای شامل زمینه‌های فردی (دانش‌آموز)، زمینه‌های اجتماعی، زمینه‌های اقتصادی و زمینه‌های زیرساختی بود. مقوله‌های فرعی مربوط به عوامل مداخله‌گر شامل ارتباطات رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات سازمانی، آموزش، ارزیابی و نحوه انتقال آموزه‌ها بود.

همچنین در بخش پیامدهای ورزش مدارس تعداد ۲۳ مقوله فرعی به‌دست آمد که در ۵ مقوله اصلی روانی، اجتماعی، جسمانی و مهارتی، تربیتی و اخلاقی و آموزشی قرار گرفتند. این موارد در مفهومی به نام «برونداد درس تربیت بدنی» خلاصه شد. همچنین از تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در بخش راهکارهای توسعه ورزش مدارس تعداد ۹۳ مفهوم به‌دست آمد که در ۱۶ مقوله فرعی قرار گرفتند. درنهایت نیز از مقوله‌های به‌دست آمده، ۵ مقوله اصلی دسته‌بندی شدند که عبارت‌اند از: ارتباطات (۱۵ مفهوم و ۳ مقوله فرعی)، زیرساختی (۲۴ مفهوم و ۴ مقوله فرعی)، آموزشی (۲۰ مفهوم و ۲ مقوله فرعی)، مشارکت ورزشی (۱۷ مفهوم و ۴ مقوله فرعی) و ترویج (۱۷مفهوم و ۳ مقوله فرعی).

جدول ۴. مفاهیم، مقوله‌ها و مضامین شناسایی‌شده در بخش کیفی

مضامین	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مضامین	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	مضامین	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
عوامل مؤثر بر مشارکت در ورزش مدارس	عوامل زمینه‌ای	زمینه‌های فردی	پیامدهای ورزش مدارس	پرونداد درس تربیت‌بدنی	روانی	راهکارهای توسعه ورزش مدارس	ارتباطات	تعامل با سازمانهای غیرورزشی
								تعامل با سازمانهای ورزشی
		زمینه‌های اجتماعی						حامی مالی
		زمینه‌های اقتصادی			اجتماعی		زیرساختی	نیروی انسانی
		زمینه‌های زیرساختی						تجهیزات
								اماکن
								مدیریتی
	عوامل مداخله‌گر	ارتباطات رسانه و شبکه‌های اجتماعی			جسمانی و مهارتی		آموزش	طرح درس
								ارزیابی
		ارتباطات سازمان			تربیتی و اخلاقی		مشارکت ورزشی	خانواده
								رویداد ورزشی
		آموزش						زنگ ورزش
								فوق‌برنامه
		ارزیابی			آموزشی		ترویج	رسانه
								افزایش سواد معلمان و مدیر
		نحوه انتقال آموزه‌ها						افزایش سواد دانش‌آموز و والدین

نتایج مدل توسعه ورزش مدارس در جدول شماره ۵ گزارش شـده است. مقـادیر کـجی و کشیدگی در همه متغیرها در دامنه ۱ تا ۱- بود که نشان‌دهنده توزیع نرمال داده‌ها در همه گویه‌هاست. با توجه به مقادیر t (بیشتر از ۱/۹۶) و بارهای عاملی (بیشتر از ۰/۳) در همه متغیرها می‌توان گفت که شاخصهای مربوط به مدل توسعه ورزش مدارس مورد تأیید است. این گویه برای سنجش عوامل مؤثر در مشارکت

دانش‌آموزان در فعالیت بدنی، راهکارهای توسعه ورزش مدارس و پیامدهای درس تربیت بدنی می‌باشد. نتایج مربوط به ضرایب رگرسیونی استانداردشده در مدل تحلیل عاملی مرتبه دوم در شکل شماره ۱ ارائه شده است.

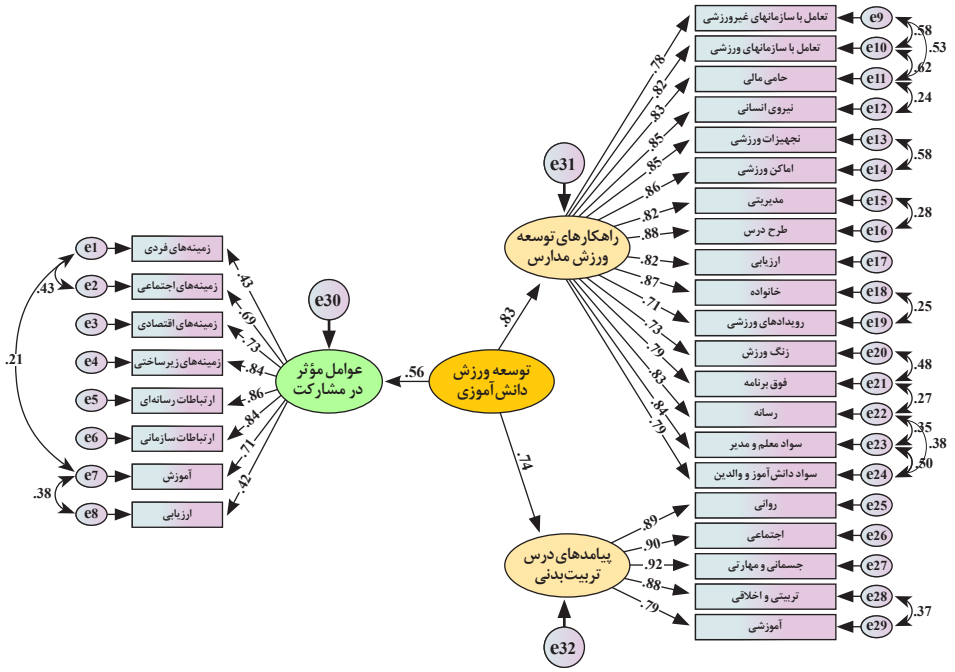

شکل ۱. مدل توسعه ورزش مدارس (ضرایب رگرسیونی استاندارد شده)

ضرایب مسیر بین مؤلفه‌های مختلف مدل توسعه ورزش مدارس در جدول شماره ۶ ارائه شده است. همه شاخصها و بارهای عاملی در سطح مطلوبی قرار دارند، زیـرا همه مقـادیر t بالاتر از ۱/۹۶ مثبت یا منفی قرار دارند.

جدول ۶. بررسی شاخصهای مدل توسعه ورزش مدارس

		مسیر	کجی	کشیدگی	بارعاملی	مقدار t
مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت بدنی	←	**زمینه‌های فردی**	-۰/۰۰۲	-۰/۱۱۶	۰/۴۳۴	-
مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت بدنی	←	**زمینه‌های اجتماعی**	۰/۲۴۲	-۰/۲۱۰	۰/۶۸۵	۹/۹۴۸
مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت بدنی	←	**زمینه‌های اقتصادی**	۰/۲۶۷	-۰/۳۵۷	۰/۷۳۱	۸/۲۱۱
مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت بدنی	←	**زمینه‌های زیرساختی**	۰/۳۱۹	-۰/۳۸۱	۰/۸۴۱	۸/۵۸۹
مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت بدنی	←	**ارتباطات رسانه‌ای**	۰/۶۲۸	-۰/۱۰۷	۰/۸۶۵	۸/۶۵۴

جدول ۶. (ادامه)

		مسیر	کجی	کشیدگی	بارعاملی	مقدار t
مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت بدنی	←	**ارتباطات سازمانی**	۰/۴۵۲	-۰/۱۲۳	۰/۸۳۷	۸/۵۷۶
مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت بدنی	←	**آموزش (نحوه انتقال آموزه‌ها)**	۰/۱۶۴	۰/۲۴۶	۰/۷۱۰	۸/۸۸۰
مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت بدنی	←	**ارزیابی**	-۰/۰۸۲	۰/۲۷۵	۰/۴۲۴	۶/۲۸۲
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**تعامل با سازمانهای غیرورزشی**	-۰/۰۰۱	-۰/۹۶۳	۰/۷۸۰	-
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**تعامل با سازمانهای ورزشی**	-۰/۰۶۳	-۰/۸۷۵	۰/۸۲۵	۲۷/۹۴
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**حامی مالی**	-۰/۰۰۱	-۰/۲۱۴	۰/۸۲۹	۲۶/۴۴۲
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**نیروی انسانی**	-۰/۰۱۸	-۰/۶۸۴	۰/۸۵۱	۱۸/۹۴۹
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**تجهیزات ورزشی**	-۰/۱۱۰	-۰/۱۴۸	۰/۸۵۱	۱۸/۹۱۵
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**اماکن ورزشی**	-۰/۰۵۴	-۰/۲۳۵	۰/۸۶۳	۱۹/۳۰۳
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**مدیریتی**	-۰/۳۱۳	-۰/۵۷۴	۰/۸۲۴	۱۸/۱۱۸
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**طرح درس**	-۰/۰۵۱	-۰/۷۸۰	۰/۸۸۲	۱۹/۸۷۰
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**ارزیابی**	-۰/۲۲۳	-۰/۵۰۹	۰/۸۲۴	۱۸/۱۴۵
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**خانواده**	-۰/۱۱۶	-۰/۸۴۵	۰/۸۶۸	۱۹/۴۴۰
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**رویداد ورزشی**	-۰/۲۹۶	-۰/۵۱۸	۰/۷۱۲	۱۵/۰۹۰
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**زنگ ورزش**	-۰/۱۱۴	-۰/۶۵۴	۰/۷۳۴	۱۵/۶۸۱
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**فوق‌برنامه**	-۰/۲۲۲	-۰/۷۱۵	۰/۷۸۹	۱۷/۱۵۷
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**رسانه**	-۰/۱۶۰	-۰/۷۴۹	۰/۸۲۸	۱۸/۲۴۸
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**سواد معلم و مدیر**	-۰/۳۰۲	-۰/۸۵۶	۰/۸۳۹	۱۸/۵۷۷
راهکارهای توسعه ورزش مدارس	←	**سواد دانش‌آموز و والدین**	-۰/۲۴۷	-۰/۷۷۳	۰/۷۹۴	۱۷/۲۹۴
پیامدهای درس تربیت‌بدنی	←	**روانی**	-۰/۲۳۵	-۰/۳۴۶	۰/۸۸۶	-
پیامدهای درس تربیت‌بدنی	←	**اجتماعی**	-۰/۱۱۶	-۰/۴۱۰	۰/۸۹۷	۲۶/۰۶۱
پیامدهای درس تربیت‌بدنی	←	**جسمانی و مهارتی**	-۰/۱۱۳	-۰/۵۱۰	۰/۹۱۷	۲۷/۳۳۴
پیامدهای درس تربیت‌بدنی	←	**تربیتی و اخلاقی**	-۰/۲۲۷	-۰/۲۱۳	۰/۸۸۱	۲۵/۰۰۷
پیامدهای درس تربیت‌بدنی	←	**آموزشی**	-۰/۰۴۵	-۰/۳۰۹	۰/۷۹۰	۲۰/۱۳۳

نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که مدل توسعه ورزش مدارس مناسب است و همه اعداد و پارامترهای مدل از مقادیر تی و بار عاملی قابل‌قبولی برخوردارند و در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ معنادار است. در مجموع با توجه به نتایج می‌توان گفت که مدل توسعه ورزش مدارس بر اساس شاخصها و عاملهای شناسایی‌شده مدل قابل قبولی است.

جدول ۷. مدل توسعه ورزش مدارس

	مسیر		بار عاملی	مقدار t
توسعه ورزش مدارس	←	**عوامل مؤثر در مشارکت فعالیت‌بدنی**	۰/۵۵۵	-
توسعه ورزش مدارس	←	**راهکارهای توسعه ورزش مدارس**	۰/۸۲۷	۵/۸۴۴
توسعه ورزش مدارس	←	**پیامدهای توسعه ورزش مدارس**	۰/۷۳۵	۶/۱۴۰

براساس نتایج جدول ۸، مقادیر شاخص نیکویی برازش (GFI) و شاخص برازش تطبیقی (CFI)، بیشتر از ۰/۹ بود که نشان‌دهنده برازش مطلوب مدل توسعه ورزش مدارس است. همچنین سایر شاخص برازش (AGFI، NFI، IFI) از مقادیر قابل‌قبولی برخوردارند. در نهایت بر اساس مقادیر ریشه میانگین مجذور باقیمانده (RMR=۰/۰۴۶) و ریشه دوم میانگین خطای برآورد (RMSEA=۰/۰۷۳) می‌توان گفت که مدل از برازش کافی برخوردار است.

جدول ۸. شاخص برازش مدل توسعه ورزش مدارس

شاخصهای برازش	مقدار مطلوب	مقادیر شاخصها	تفسیر
کای اسکوئر (کای دو)	-	۱۱۰۰/۱۶۵	-
درجه آزادی	-	۳۵۸	-
نسبت کای اسکوئر به درجه آزادی (χ^2/df)	کمتر از ۵	۳/۰۷۳	مطلوب
شاخص نیکویی برازش (GFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۰۶	مطلوب
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	بیشتر از ۰/۸	۰/۸۵۶	مطلوب
ریشه دوم میانگین خطای برآورد (RMSEA)	کمتر از ۰/۱	۰/۰۷۳	مطلوب
ریشه دوم میانگین مجذورات باقیمانده (RMR)	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۴۶	مطلوب
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۳۴	مطلوب
شاخص برازش هنجارشده (NFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۰۵	مطلوب
شاخص برازش افزایشی (IFI)	بیشتر از ۰/۹	۰/۹۳۴	مطلوب

بحث و نتیجه‌گیری

ورزش در مدارس یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین بخشهای فعالیتهای دانش‌آموزی است. از همین رو توسعه همه‌جانبه آن از اهمیت ویژه برخوردار است. برای تحقق بخشیدن به چنین امری ابتدا باید عوامل مؤثر بر توسعه ورزش در مدارس شناسایی شوند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که زمینه‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی، زیرساختی، ارتباطات رسانه‌ای، ارتباطات سازمانی، آموزش (نحوه انتقال آموزه‌ها) و ارزیابی از عوامل مؤثر بر توسعه ورزش مدارس‌اند. در تبیین این عوامل باید بیان کرد که عوامل فردی شامل علاقه و استعداد دانش‌آموزان به ورزش، سلامت و توان‌بخشی بدنی آنان و نیز شناخت و شایستگی معلمان تربیت بدنی و دستیاران ورزشی مدارس است. ضمن آنکه عوامل اجتماعی شامل فرهنگ محیطی و اجتماعی مدرسه، پشتیبانی و تشویق خانواده به فعالیتهای ورزشی و همچنین تأثیرات فرهنگی ورزش در جامعه است. اگر در مدرسه ورزش کردن یک امر فرهنگی مطلوب تلقی شود، احتمال گرایش دانش‌آموزان به ورزش افزایش می‌یابد. چنین اموری در تحقیقات کریستنسن و سورنسن[1](۲۰۰۹) و سارمینتو[2] و همکاران (۲۰۱۷) مورد تأکید قرار گرفته است. علاوه بر این، صفاری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود پیرامون ترویج ورزش و فعالیت بدنی در مدارس ابتدایی با رویکرد بازاریابی اجتماعی به این نتیجه رسیدند که ترویج فعالیتهای بدنی رابطهٔ معنادار با آموزش و فرهنگ‌سازی دارد. به نظر می‌رسد تبادلات فرهنگی و فرهنگ‌سازی نقشی مهم در توسعه ورزش در مدارس دارند و این در حالی است که این امر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا، توجه به سیاستگذاری منطبق با فرهنگ جامعه و همچنین استفاده از نیروهای کارآمد، برقراری ارتباطات اجتماعی گسترده با خانواده دانش‌آموزان و افزایش قابلیت دسترسی آنان به امکانات و مجموعه‌های ورزشی آموزش و پرورش از مهم‌ترین نکاتی است که لازم است برای بهبود علاقه دانش‌آموزان به ورزش و فعالیتهای بدنی مورد توجه قرار گیرد.

افزون بر عوامل فردی و اجتماعی برای توسعه ورزش مدارس، عوامل اقتصادی نیز از اهمیت بسیار برخوردار است. عوامل اقتصادی شامل بودجه و منابع مدرسه برای ورزش، قابلیت دسترسی دانش‌آموزان به تجهیزات و وسایل ورزشی، هزینه‌های دوره‌های آموزشی و نیز همکاری با حامیان مالی است که در اکثر پژوهشهای انجام‌شده در زمینهٔ ورزش مدارس به این امر اشاره شده است. ساندرسون و براون[3] (۲۰۲۰) نیز بر اهمیت مسائل اقتصادی در توسعه ورزش جوانان تأکید کرده‌اند. آنها خاطرنشان کرده‌اند که عوامل اقتصادی در توسعه ورزش ازاین‌جهت حائز اهمیت است که عوامل زیرساختی مدارس را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. همان‌گونه که نتایج این پژوهش نیز نشان داد، عوامل زیرساختی شامل فضاهای ورزشی، تجهیزات و وسایل ورزشی، تأسیسات ورزشی، شرایط ایمنی ورزشی و تعداد ورزشکاران در مدرسه است که نقشی مهم در توسعه و ترویج ورزش در مدارس دارند. اهمیت زیرساختها در توسعه ورزش مدارس

1. Christensen & Sørensen
2. Sarmiento
3. Sanderson & Brown

از این جهت قابل‌توجه است که در مدل بخش کمی زیرساختها دارای بار عاملی بالایی(۰/۸۴) هستند و نقشی تعیین‌کننده در توسعه ورزش مـدارس دارنـد. علاوه بـر عوامل مطرح‌شده، نتایج این پژوهش نشان داد که ارتباطات و رسانه‌ها نیز از عوامل مؤثر در توسعه ورزش مدارس‌اند، زیرا بار عاملی ۰/۸۶ نشان‌دهندهٔ قدرت تعیین‌کنندگی عوامل ارتباطی در توسعه ورزش مدارس است. عوامل ارتباطی شامل فرصتهای ارتباطی و اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها، رسانه‌ها، جوامع ورزشی و سایر مدارس و همچنین هماهنگی با نهادهای ذی‌ربط است. این امر در پژوهشهای کامیره[1](۲۰۱۴) مورد اشاره قرار گرفته است. وی معتقد است که هرقدر ارتباطات در مدارس و مؤسسات آموزشی بیشتر باشد، احتمال شکل‌گیری پیوندهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی بیشتر خواهد بود و ورزش مدارس در دبیرستانها بیشتر توسعه خواهد یافت. شناخت عوامل مؤثر بر توسعه ورزش به ما کمک می‌کند تا راهکارهای توسعه ورزش در مدارس را به‌خوبی به کار بگیریم.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر، شنـاسایی راهکارهای توسعه ورزش مـدارس بـود. در این پژوهش کارشناسان و متخصصان حوزه ورزش مدارس بر این باورند که راهکارهای توسعه ورزش مدارس ایران شامل تعامل با سازمانهـای ورزشی و غیرورزشی، گـرفتن حامیـان مالی، به‌کارگیری نیروهای انسانی، روزآمد کردن تجهیزات و امکانات ورزشی، داشتن طرح درس و ارزیابیهای مستمر، برگزاری رویدادهای ورزشی و فوق‌برنامه و ارتقای سواد بدنی دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان است. این راهکارها در پژوهشهای سالمون و گارن[2](۲۰۱۴)، میرزایی کالار و همکاران (۱۳۹۹) و چال‌اشتری و همکاران (۱۳۹۴) به‌صورت ضمنی مورد اشاره قرار گرفته است. در تبیین راهکارها باید خاطرنشان کرد که نقش خانواده و سواد بدنی دانش‌آموزان و همچنین مدیریت ورزش مدارس از جایگاهی بالاتر برخوردار است. گواه این ادعا بارهای عاملی بالای ایـن مؤلفه‌هـا در مدل کمی است. همان‌گونه که انیس[3] و همکاران (۱۹۹۹) بیان کـرده‌اند، اگر خانواده‌ها نقشی مؤثر در محتوای برنامه‌های ورزشی مدارس داشته باشند، به‌احتمال زیاد میزان مشارکت در دانش‌آموزان مدارس افزایش خواهد یافت. در واقع، برای توسعه ورزش مدارس، دانش‌آموزان باید آموزشهای ورزشی مناسب را برای ارتقای سواد بدنی دریافت کنند. این امر در پژوهشهای هیستی و وال‌هد[4] (۲۰۱۵) مورد تأکید قرار گرفته است. برای این منظور، مدارس باید برنامه‌های ورزشی مناسب برای دانش‌آموزان خود طراحی کنند و مربیان ورزشی ماهر را برای ارتقای سواد بدنی دانش‌آموزان استخدام کنند. افزون بر این، مدارس باید فرصتهای ورزشی مناسبی برای دانش‌آموزان خود فراهم کنند. این فرصتها می‌توانند شامل کلاسهای ورزشی درون‌درسی، فرصتهای ورزشی پس از ساعت تحصیلی، مسابقات ورزشی به همراه خانواده‌ها و... باشند. همگی این امور باید در راستای مدیریت صحیح

1. Camiré
2. Solmon & Garn
3. Ennis
4. Hastie & Wallhead

ورزش مدارس باشند، زیرا مدیریت صحیح می‌تواند هماهنگ‌کننده همه عناصر موجود در توسعه ورزش در مدارس باشد (ویلر[1]، ۲۰۱۲). شاید آسان‌ترین راهکار برای توسعه ورزش مدارس تشویق دانش‌آموزان به فعالیت بدنی و آموزش آنها در زمینهٔ پیامدهای مشارکت ورزشی آنان باشد، مثلاً تشویق به شرکت در مسابقات ورزشی، پیگیری منظم وضعیت فعالیت بدنی دانش‌آموزان، تشویق به انجام ورزش در مدرسه و بین نهادهای آموزشی.

در مورد پیامدهای توسعه ورزش مدارس نتایج این پژوهش نشان داد که می‌توان پیامدها را در پنج گروه روانی، اجتماعی، جسمانی و مهارتی، تربیتی و اخلاقی و آموزشی طبقه‌بندی کرد. بسیاری از پژوهشها بر پیامدهای روانی و جسمانی مشارکت ورزشی دانش‌آموزان اشاره کرده‌اند (علوی و همکاران، ۱۳۹۶؛ اسمعیلی، ۱۳۸۹؛ لین[2] و هیستی، ۲۰۱۶؛ کلاین و وگت[3]، ۲۰۱۹؛ میرزایی‌کالار و همکاران، ۱۳۹۹؛ قنبری و همکاران، ۱۳۹۸). با این حال، نتایج این پژوهش نشان داد که پیامدهای اجتماعی توسعه ورزش در مدارس از اهمیت و جایگاهی بالا برخوردارند و در بخش کمی، در کنار مهارتهای جسمانی بارهای عاملی بالایی را به خود اختصاص داده‌اند. در تبیین پیامد اجتماعی توسعه ورزش در مدارس باید خاطرنشان کرد که ارتقای ورزش در مدارس سبب تقویت انضباط و همکاری می‌شود. همچنین ورزش سبب ایجاد شیوه زندگی سالم، تعامل با دیگران، کار تیمی، مدیریت وقت و توانایی حل مسئله (دالن و سیپل[4]، ۲۰۲۱)، کاهش خشونت و پرخاشگری و کاهش تنشها و افزایش هم‌افزایی می‌شود. در مجموع، توسعه ورزش در مدارس سبب ایجاد تغییرات مثبت در زندگی اجتماعی دانش‌آموزان و سبب بهبود سلامت جسمی، روحی و روانی و ایجاد حس همکاری و انضباط و نظم در کارها می‌شود. شایان‌ذکر است که با وجود آنکه ورزش در همه دوران زندگی انسان دارای اهمیت است، اما چون پایهٔ تربیت جسمی و روحی در سالهای نوجوانی گذاشته می‌شود، باید برای ورزش در این دوران اهمیت بیشتری قائل شد. انتقال و کاربرد آموخته‌های ورزشها و انعکاس این رفتارهای آموخته‌شده، سبب شکل‌گیری رفتار در این سنین می‌شود و می‌تواند نوجوان را برای حل مسائل اجتماعی، تصمیم‌گیریهای منطقی و قضاوت اخلاقی آماده کند. این تجارب قابل‌انتقال به زندگی هستند. ورزش علاوه بر تأثیر مثبت بر سلامت جسمانی، در ارتقای سلامت روانی نیز مؤثر واقع می‌شود. همچنین زمینه را برای بروز بهتر استعدادها فراهم می‌کند و به‌وسیله آن شاخصهای اعتمادبه‌نفس، عزت‌نفس، جامعه‌پذیری و سازگاری اجتماعی بهبود می‌یابد. ضمن آنکه دانش‌آموزان از طریق درس تربیت‌بدنی قادر به شناخت بدن خود، عملکردش، پتانسیلها و محدودیتهایش و درک اهمیت وضعیت جسمانی مطلوب می‌شوند. این درس ظرفیت مناسب برای توسعه و تکامل خویشتنداری، پایبندی و مشارکت در انجام دادن وظایف محوله از

1. Wheeler
2. Layne
3. Klein & Vogt
4. Dalen & Seippel

سوی معلم، احترام به خود و دیگران، مسئولیت‌پذیری فردی و علاقه‌مندی به دیگران دارد.

به‌عنوان یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان بیان داشت که مدل توسعه ورزش مدارس با یک رویکرد نظام‌مند می‌تواند منجر به بهبود شرایط ورزش و درس تربیت‌بدنی در مدارس شود. در واقع عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر به‌منزلهٔ دروندادهای این مدل، می‌توانند شرایط بهبود ورزش مدارس را فراهم آورند. در کنار این عوامل، راهکارهایی مانند ارتباطاتی، زیرساختی، آموزشی، مشارکت ورزشی و ترویج نیز می‌توانند فرایندهای این مدل را تشکیل دهند. درنهایت، این فرایندها می‌توانند پیامدهایی روانی، اجتماعی، جسمانی و مهارتی، تربیتی و اخلاقی و آموزشی داشته باشند. بر اساس نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود که نهادهای مسئول در آموزش و پرورش با عقد قراردادهای همکاری با سازمان صدا و سیما برای پخش برنامه‌های آموزشی و به منظور افزایش سواد ورزشی والدین و دانش‌آموزان، زمینه‌های مناسب را برای ارتقای ورزش در مـدارس فراهم کـنند. همچنین با توجه به اهمیت بعد «ارتباطات رسانه‌ای» پیشنهاد می‌شود که در محیط مدرسه از تابلوها و پوسترهای مربوط به چگونگی انجام دادن فعالیتهای ورزشی و فواید آن نصب شود و معلمان تربیت‌بدنی نیز در طرح درس خود بر بعد جسمانی و اجتماعی ورزش، تأکید ویژه داشته باشند. درنهایت، پیشنهاد می‌شود که آموزش و پرورش یک سیستم ارزیابی دوره‌ای و دائمی برای سنجش صلاحیت معلمان تربیت‌بدنی داشته باشد.

منابع

REFERENCES

اسمعیلی، محمدرضا. (۱۳۸۹). *مطالعه تطبیقی برنامه درسی تربیت بدنی دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه ایران و کشورهای منتخب جهان و ارائه الگوی مناسب برای تدوین راهنمای برنامه درسی تربیت‌بدنی*. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

بردبار، غلامرضا. (۱۳۹۴). *عوامل مؤثر در استعدادیابی ورزش دانش‌آموزی اصفهان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه پیام نور، مرکز شهر ری.

چال اشتری، شهرام؛ صفانیا، علی‌محمد و سوری، پروانه. (۱۳۹۴). بررسی وضع موجود فعالیت‌های ورزشی استان البرز و شناسایی موانع توسعه. *نهمین همایش بین المللی تربیت‌بدنی و ورزشی*، تهران، مؤسسه آموزش عالی سناباد.

دادگر، حمید. (۱۳۹۹). *طراحی الگوی توسعه ورزش مدارس شبانه روزی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران.

دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، (سند مشهد مقدس)*. تهران: وزارت آموزش و پرورش با همکاری شورای عالی انقلاب فرهنگی.

_____ . (۱۳۹۱). *برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران*، مصوبه اسفند ۱۳۹۱. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش با همکاری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

صفاری، زهرا؛ معماری، ژاله و سعادتی، مهسا. (۱۳۹۷). مطالعه برنامه ترویج ورزش و فعالیت بدنی در مدارس ابتدایی با رویکرد بازاریابی اجتماعی. *پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی*، ۶ (۳)، ۹۷-۱۱۱.

علوی، سلمان؛ احمدی، محمدامین و زر، عبدالصالح. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی ورزش بر میزان فرسودگی شغلی، سلامت عمومی و امید به زندگی کارمندان دانشگاه علوم پزشکی جهرم. *سلامت اجتماعی*، ۴ (۳)، ۲۶۱-۲۶۹.

قنبری فیروزآبادی، علیرضا؛ امانی، امین؛ ریحانی، محمد و سردرویان، مهتا. (۱۳۹۹). طراحی الگوی راهبردی توسعه ورزش دانش‌آموزی. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۸ (۲۰)، ۱۷۹-۲۰۴.

قنبری، هادی؛ شتاب‌بوشهری، ناهید؛ شفیع‌نیا، پروانه و مهرعلیزاده، یداله. (۱۳۹۸). طراحی مدل عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان دبستانی به ورزش: یک پژوهش آمیخته. *نشریه مطالعات آموزش و یادگیری*، ۱۱ (۱)، ۲۳۹-۲۵۷.

مطلبی‌جزی، اسفندیار. (۱۳۹۷). *ارتباط ساختار سازمانی تربیت‌بدنی وزارت آموزش‌وپرورش با توسعه ورزش دانش‌آموزی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام نور شهرری.

میرزایی کالار، اکبر. (۱۳۹۷). *طراحی چارچوب مفهومی توسعه ورزش دانش‌آموزی*. رساله دکتری. دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه گیلان.

میرزایی کالار، اکبر؛ همتی‌نژاد، مهرعلی و رمضانی‌نژاد، رحیم. (۱۳۹۹). طراحی مدل توسعه ورزش دانش‌آموزی ایران. *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۸ (۱۸)، ۴۱-۶۲.

هاگ، هربرت. (۲۰۰۸). *آینده ورزش مدارس (تربیت‌بدنی) در دنیای امروز : مفاهیم علمی برای نوآوری‌های عملی*، ترجمه محسن حلاجی (۱۳۹۷). قزوین: دانشگاه آزاد اسلامی.

Aluko, K., & Adodo, S. M. (2011). A conceptual analysis of school sports development in Nigeria. *African Research Review, 5*(5), 394-403.

Bailey, R. (2006). Physical education and sport in schools: A review of benefits and outcomes. *Journal of School Health, 76*(8), 397-401.

Bloyce, D., & Smith, A. (2010). Youth sports development: Physical education, school sport and community club links. *Sport policy and development: An introduction* (pp. 56-78). London: Routledge.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, *3*(2), 77-101.

Breuer, C., Hallmann, K., Wicker, P., & Feiler, S. (2010). Socio-economic patterns of sport demand and ageing. *European Review of Ageing and Physical Activity, 7*(1), 60-71.

Camiré, M. (2014). Youth development in North American high school sport: Review and recommendations. *Quest, 66*(4), 495-511.

Christensen, M. K., & Sørensen, J. K. (2009). Sport or school? Dreams and dilemmas for talented young Danish football players. *European Physical Education Review, 15*(1), 115-133.

Dalen, H. B., & Seippel, Ø. (2021). Friends in sports: Social networks in leisure, school and social media. *International Journal of Environmental Research and Public Health, 18*(12), 6197.

Davies, S., Coxe, K., Harvey, H. H., Singichetti, B., Guo, J., & Yang, J. (2018). Qualitative evaluation of high school implementation strategies for youth sports concussion laws. *Journal of Athletic Training, 53*(9), 873-879.

Ennis, C. D., Solmon, M. A., Satina, B., Loftus, S. J., Mensch, J., & McCauley, M. T. (1999). Creating a sense of family in urban schools using the «Sport for Peace» curriculum. *Research Quarterly for Exercise and Sport, 70*(3), 273-285.

Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). Competing paradigms in qualitative research. In N. K. Denzin, & Y. S. Lincoln (Eds.), *Handbook of qualitative research* (pp. 105-117). Sage Publications, Inc.

Hastie, P. A., & Wallhead, T. L. (2015). Operationalizing physical literacy through sport education. *Journal of Sport and Health Science, 4*(2), 132-138.

Klein, D., & Vogt, T. (2019). A salutogenic approach to physical education in schools. *Advances in Physical Education, 9*(3), 188-196.

Komova, E., Litvinov, S., & Skotnikova, A. (2015). Sport education at Russian high schools (from 18th to 21st century). *International Journal of Science Culture and Sport (IntJSCS), 3*(2), 55-63.

Langbein, L., & Bess, R. (2002). Sports in school: Source of amity or antipathy?. *Social Science Quarterly, 83*(2), 436-454.

Layne, T. E., & Hastie, P. A. (2016). Analysis of teaching physical education to second-grade students using sport education. *Education 3-13*, 44(2), 226-240.

MacIntosh, E., Arellano, A., & Forneris, T. (2016). Exploring the community and external-agency partnership in sport-for-development programming. *European Sport Management Quarterly, 16*(1), 38-57.

Mackintosh, C., & Liddle, J. (2015). Emerging school sport development policy, practice and governance in England: Big society, autonomy and decentralisation. *Education 3-13,* 43(6), 603-620.

Pot, N. J., Schenk, N., & van Hilvoorde, I. M. (2014). School sports and identity formation: Socialisation or selection? *European Journal of Sport Science, 14*(5), 484-491.

Sanderson, J., & Brown, K. (2020). COVID-19 and youth sports: Psychological, developmental, and economic impacts. *International Journal of Sport Communication, 13*(3), 313-323.

Sarmiento, K., Donnell, Z., & Hoffman, R. (2017). A scoping review to address the culture of concussion in youth and high school sports. *Journal of School Health, 87*(10), 790-804.

Sherry, E., Schulenkorf, N., & Chalip, L. (2015). Managing sport for social change: The state of play. *Sport Management Review, 18*(1), 1-5.

Solmon, M. A., & Garn, A. C. (2014). Effective teaching in physical education: Using transportation metaphors to assess our status and drive our future. *Research Quarterly for Exercise and Sport, 85*(1), 20-26.

Stemler, S. E. (2001). An overview of content analysis. *Practical Assessment, Research & Evaluation, 7*, Article 17.

Way, R., Repp, C., & Brennan, T. (2010). *Sport schools in Canada: The future is here.* Victoria, BC: Canadian Sport Centre, Pacific. Retrieved from http://canadiansportforlife.ca/sites/default/files/resources/Sport%20Schools%20in%20Canada.pdf

Wheeler, S. (2012). The significance of family culture for sports participation. *International Review for the Sociology of Sport, 47*(2), 235-252.

Quarterly Journal of
Education

A Mixed Approach to the Development of a Model for Schools' Sport Programs*

S. Ansaari[1] ◉ S. Nazari, Ph.D.[2] ◉ A. Mahmoodi, Ph.D.[3]

Abstract

To develop a model for the expansion of schools' sport programs, the views of a group of 17 experts on the subject were sought through extensive and semi-structured interviews. The analyses of these data lead to the identification of three main themes: factors affecting schools' sport programs, strategies for the expansion of such programs, and the consequences of such expansions. In the light of the discovered themes, a questionnaire with an adequate validity and reliability, was constructed and then given to a group of 387 experts and physical education teachers in Tehran. The data collected through the questionnaire were used to construct a structural model wherein all the components were of adequate goodness of fit. It can be concluded that the expansion of sport programs in schools requires a multilateral and systemic look in order to utilize the appropriate strategies for the expansion of sports programs, given the expected outcomes.

Keywords: sports expansion, physical education, school sports

Date Received: Dec. 7, 2021 **Date Accepted:** June 10, 2022

This article is derived from the first author's Master's thesis.

1. M.A. in Sports Management, University of Eyvanekey, Semnan, Iran.
E-mail: samanansari13981390@gmail.com
2. **Corresponding Author:** Assistant Professor of Physical Education, Farhangian University, Tehran, Iran.
E-mail: Shahram.nazari@cfu.ac.ir
3. Assistant Professor of Sports Management, Faculty of Physical Education and Sports Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
E-mail: Ah.mahmoudi@ut.ac.ir